

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهما السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

امامان این امت دوازده نفرند

علامه سید مرتضی عسکری رحمه الله علیه

سر آغاز

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ «او (پیامبر) هرگز به خواهش دل سخن

نمی‌گوید. سخنانش تنها از وحی الهی است.» نجم/ ۴۳

﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾

و اگر چیزی را به دروغ به ما نسبت دهند. دست راستش را می‌گیریم. سپس رگ

حیاتش را قطع می‌کنیم. حاقه/ ۴۶-۴۴

از متن کتاب و سنت ار بر گیریم عز و شرف گذشته از سر گیریم

مقدمه

وحدت بر محور کتاب و سنت

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله رب العالمين، والصلاه والسلام على محمد وآله الطاهرين والسلام على

اصحابه البرره الميامين.»

ما مسلمانان یکپارچه، از درون و از راه مسائل اختلافی با خود به نزاع برخاستیم و دشمنان اسلام از برون و از راهی که ندانستیم، وحدتمان را به تفرقه و شوکتیمان را به ضعف کشاندند تا از دفاع ناتوانمان کردند و بر ماچیرگی یافتند؛ در حالی که خدای سبحان فرموده است:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾

خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان شوید و قدرت و

شوکت شما برود! انفال / ۴۶

آری:

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾

هر مصیبتی به شما رسد دست آورد خودتان است و خداوند بسیاری را نیز، می بخشد!

پس شایسته آن است که امروز و هر روز، به کتاب و سنت بازگردیم و وحدت کلمه

خود را بر محور کتاب و سنت باز یابیم که خدای متعال می فرماید:

﴿فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾

پس اگر در چیزی نزاع کردید (حکم) آن را به خدا و رسول بازگردانید. نساء / ۵۹

ما نیز، در این سلسله از بحث‌ها به کتاب و سنت مراجعه کرده و ابزارروشنگر راهمان در مسائل مورد اختلاف را از کتاب و سنت می‌گیریم تا - به اذن خدای متعال - وسیله وحدت کلمه و یکپارچگی دوباره مان گردد.

امیدوارم دانشمندان و اندیشمندان اسلامی نیز، در این میدان با ما همراهی نموده و دیدگاه‌های خود را برای ما ارسال دارند.

سید مرتضی عسکری

نص صریح پیامبر ﷺ بر تعداد امامان علیا

حدیث عدد امامان:

رسول خدا ﷺ خبر داده است که، امامانی که بعد از او می آیند، دوازده نفرند. این موضوعی است که صاحبان کتب صحیح و مسند که در زیر می آید، از آن حضرت روایت کرده اند:

الف - مسلم در صحیح خود از جابرین سمره روایت کند که گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود: این دین همیشه، تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند، استوار و بر پاست. این خلفا همگی از قریش اند.

در روایت دیگری آمده است: همیشه کار مردم رو براه است...

در دو روایت دیگر آمده است: تا آنکه دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند.

در حدیث دیگری است که فرمودند: تا پایان دوازده نفر^(۱).

و در صحیح بخاری گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که می فرمود: دوازده نفر امیر و فرمانده اند. راوی گوید: پیامبر ﷺ پس از آن سخنانی فرمود که من نفهمیدم، پدرم گفت: فرمود: همگی آنان از قریش اند.

در روایت دیگری می گوید: سپس رسول خدا ﷺ سخنانی فرمود که بر من پوشیده ماند، از پدرم پرسیدم: رسول خدا ﷺ چه فرمود؟ پدرم گفت: فرمود: همگی آنان از قریش اند^(۲).

در روایت دیگری است که فرمود: دشمنی کسانی که با آنان دشمنی کنند، زیانی به ایشان نمی رساند^(۳).

ب - در روایت دیگری است که رسول خدا فرمود:

«لا تزال هذه الامه مستقيما امرها، ظاهره على عدوها، حتى يمضى منهم اثنا عشر خليفه
كلهم من قریش، ثم يكون المرج او الهرج»
کار این امت همیشه به سامان است و پیوسته بر دشمنانشان پیروزند تا آنگاه که دوازده
نفر خلیفه، همگی از قریش، در گذرند. پس از آن فساد و خرابی یا فتنه و آشوب خواهد
بود^(۴).

ج - در روایت دیگری آمده است که فرمود:
این امت دوازده نفر قیم دارد که هر کس آنان نکند، زبانی به ایشان نرساند، همگی آنان
از قریش اند^(۵).

د - در روایت دیگری فرمود:
کار این مردم تا هنگامی که دوازده مرد بر آنان ولایت داشته باشند، همواره در جریان
است^(۶).

ه - از قول انس روایت کنند که آن حضرت فرمود:
این دین تا دوازده نفر از قریش باشند، به هیچ روی نابود نگردد، و چون از دنیا
برومند، زمین نیز، اهل خود را فرو می برد^(۷).

و - در روایت دیگری فرمود:
کار این است، تا هنگامی که همه آن دوازده نفر قیام کنند، همیشه قرین پیروزی است.
آنان همگی از قریش اند^(۸).

ز - احمد بن حنبل و حاکم و دیگران از مسروق روایت کنند که گفت: شبی نزد عبد
الله بن مسعود نشسته بودیم و او قرآن به ما می آموخت که مردی پرسید: ای ابا عبد
الرحمان! آیا از رسول خدا پرسیدید چه تعداد از این امت به خلافت می رسند؟ عبدالله
گفت: از هنگامی که به عراق آمده ام، هیچ کس پیش از تو، چنین سوالی از من نکرده

است. بعد گفت: ما این موضوع را (از رسول خدا ﷺ) پرسیدیم و آن حضرت فرمود: آنان دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل^(۹).

ح - در روایت دیگری ابن مسعود گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: خلفای بعد از من به تعداد اصحاب موسی هستند^(۱۰).

ابن اثیر گوید: همانند این از عبد الله بن عمر و حذیفه و ابن عباس نیز، روایت شده است^(۱۱).

مؤلف گوید: نمی دانم مقصود ابن کثیر از روایت ابن عباس، همان است که حاکم حسکانی از ابن عباس روایت کرده یا غیر آن است.

روایات گذشته صریحا می گوید: عدد والیان دوازده نفر و همگی از قریش اند. و امام علی علیه السلام در سخن خود مقصود از قریش در این روایات را بیان کرده و می فرماید: همه امامان از قریش اند و در این تیره از هاشم (اهل البیت علیهم السلام) جایگزین شده اند، (ولایت) برای غیر آنان روانیست و والیان جز ایشان شایسته (ولایت) نباشند^(۱۲). و نیز فرمود:

«اللَّهُمَّ بَلِي لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمِ اللَّهِ بِحُجَّةٍ أَمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا لئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيْنَاتِهِ...»

خداوندا! آری، زمین هرگز از قیام کننده به حق برای خدا خالی نخواهد شد، (این امام قائم) یا پیروز است و نمایان و یا خائف است و پنهان، تا حجتها خدا و نشانه های روشن الهی نابود نگردد.^(۱۳)

امامان دوازده گانه در تورات

ابن کثیر گوید: در توراتی که در دست اهل کتاب است موضوعی آمده معنای آن چنین است:

خداوند متعال ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را به وجود اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام بشارت داد و فرمود: اسماعیل را زیادتی بخشم و نسل او را گسترده گردانم و در بین آنان دوازده نفر را از بزرگان و فرزندان قرار دهم.

و گوید: ابن تیمیه گوید: اینان که به وجودشان بشارت داده شده، همان است که در حدیث جابر بن سمره آمده و مقرر گردیده تا در میان امت پراکنده باشند، و اینکه قیامت بر پا نگردد مگر آنکه موجود شده باشند، و بسیاری از یهودیانی که به اسلام مشرف شده‌اند، اشتباه کرده و پنداشته‌اند آنان همان کسانی اند که فرقه را فضا (شیعیان دوازده امامی) به سوی آنان دعوت کرده و از ایشان پیروی می‌کنند^(۱۴).

مؤلف گوید: بشارت مورد اشاره در سفر پیدایش تورات امروزین، باب: (۱۷ شماره ۱۸ - ۲۰) اصل عبری چنین است:

«قی لیشماعیل بیرختی اوتوقی هفریتی اوتوقی هریتی بمئود شنیم عسار نسیئیم یولید قی نتتیف لگوی گدول»^(۱۵).

ترجمه: اسماعیل را مبارک ساخته و جدا او را بهره‌مند و پر بار و کثیر و گسترده گردانم، دوازده عدد امام از او پدید آید و او را به امت بزرگ و عظیمی تبدیل خواهم کرد. این بخش از تورات اشاره به آن دارد که، مبارکی و پرباری و کثرت افراد تنها در نسل اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام است.

واژه شنیم عسار یعنی: دوازده نفر، که لفظ عسار اعداد ترکیبی که معدود آن مذکر باشد، می آید^(۱۶) و معدود در اینجا نسبییم و مذکر است و با اضافه شدن یم در آخر آن معنای جمع می دهد. مفرد آن ناسی یعنی: امام و پیشوا و رئیس است^(۱۷).

و اما سخن خداوند به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام در همان بخش نیز، یعنی عبارت فی تثنیف لگوی گدول، واژه فی تثنیف مرکب است از فی که حرف عطف است، و ناتن که فعل است و به معنای: قرار می دهم، و یم که ضمیر است و در آخر فعل آمده به اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام باز می گردد، یعنی: او را (چنین) قرار می دهم^(۱۸). و اما لفظ گوی به معنای امت و مردم است^(۱۹)، و گدول به معنای کبیر و عظیم^(۲۰) و تمام جمله یعنی: او را امت کبیر و بزرگی گردانم. از مجموع این فقره روشن می گردد که مقصود از کثرت و برکت در نسل اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام دقیقاً رسول خدا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت آن حضرت عَلَيْهِمُ السَّلَام می باشند، و آنانند که دنباله و امتداد نسل اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام هستند. زیرا، خداوند متعال به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: از سرزمین نمروود خارج شده و به شام برو. آن حضرت نیز، همراه با همسرش ساره و لوط به فرمان خدا هجرت کردند و در سرزمین فلسطین فرود آمدند.

خداوند متعال ثروت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را بسیار فزونی بخشید. ابراهیم گفت: خداوند! من با این مال بدون اولاد چه کنم؟ خدای متعال به او وحی کرد: من فرزندان تو را به قدری کثیر و بسیار گردانم که به تعداد ستارگان باشند در آن زمان هاجر کنیزک ساره بود و او را به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بخشد، هاجر از ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام باردار شد و اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام را برای او به دنیا آورد. سن ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام در آن حال ۸۶ سال بود^(۲۱).

قرآن کریم در ضمن دعای ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و در خواست او از خدای متعال، به این حقیقت روشن اشاره کرده و می فرماید: ابراهیم گفت:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾

پروردگارا! من برخی از ذریه خود را در بیابانی خشک، در کنار خانه محترم تو جای دادم تا نماز را به پای دارند. پروردگارا! دلهایی از مردمان را به سوی آنان بگردان و آنان را از ثمرات ده باشد که سپاس گویند. (ابراهیم / ۳۷)

این آیه کریمه تاکید می‌کند که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام برخی از ذریه و نسل خود را که اسماعیل و فرزندان متولد او در مکه بودند، در کنار خانه خدا جای داد متعال در خواست کرد تا رحمت و هدایت بشر در طول تاریخ را بر عهده ذریه و فرزندان او قرار دهد، خداوند نیز دعوتش را پذیرفته و آن را در نسل او، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دوازده امام عَلَيْهِمُ السَّلَام قرار است.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام در این باره فرموده است: نحن بقیه تلک العتره و کانت دعوه ابراهیم لنا مائیم بقیه آن (ذریه و) عترت و دعایی ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام برای ما بود ^(۲۲).

فشرده احادیث گذشته

خلاصه آنچه که گذشت و نتیجه آن این می‌شود که: تعداد امامان در این امت دوازده نفر پی در پی هستند، و پس از دوازدهمین امام، عمر این دنیا پایان می‌گیرد.

در حدیث اول آمده بود: این دین تا قیامت و تا هنگامی که دوازده خلیفه بر سر شما باشند، استوار و بر پا خواهد بود...

این حدیث، مدت برپا بودن این دین را تعیین، و آن را به برپایی قیامت محدود ساخته و تعداد امامان این امت را دوازده نفر دانسته است.

در حدیث پنجم آمده بود: این دین پیوسته تا زمانی که دوازده نفر از قریش موجود باشند استوار و بر پاست، و هنگامی که در گذرند، زمین اهل خود رافرو می‌برد.

این حدیث نیز، وجود و بقای دین را تا پایان عمر آنان را پایان دنیا می‌داند.

در حدیث هشتم نیز، عدد امامان علیهم‌السلام را تنها دوازده نفر دانسته و فرموده: خلفای پس از من به تعداد اصحاب موسی هستند.

این حدیث دلالت بر آن دارد که بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جز خلفای دوازده گانه، خلیفه دیگری نخواهد بود.

الفاظ این روایات که با صراحت می‌گویند: عدد خلفا تنها دوازده نفر است و بعد از آنان هرج و مرج و نابودی زمین و برپایی قیامت است دیگر الفاظی را که چنین صراحتی از آنها دانسته نمی‌شود، بیان و تبیین می‌کند.

بنابراین، لازم است عمر یکی از امامان دوازده گانه، بر خلاف عمر عادی انسانها، طولانی و خارق العاده باشد. چنانکه اکنون واقع شده و دوازدهمین امام از ائمه اثنی عشر و اوصیای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدین گونه است.

حیرت علما در تفسیر این حدیث

دانشمندان مکتب خلفا در بیان در مقصود از امامان دوازده گانه که در این روایت آمده است، دچار حیرت و زحمت شده و دیدگاههای متفاوتی ارائه داده‌اند. ما امیران بعد از رسول خدا ﷺ را که بر شمردیم دیدیم: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، حسن، معاویه، یزید، معاویه بن یزید، یزید بن عبدالملک، مروان بن محمد بن مروان، سفاح و... هستند.

او پس از آن بیست و هفت نفر از خلفای عباسی تا عصر خود را بر شمرده و گوید: اگر از مجموع آنها دوازده نفر را به صورت ظاهر شماره کنیم آخرین آنها سلیمان بن عبد الملک است، و اگر به معنای واقعی خلیفه نظر داشته باشیم، تنها پنج نفر برای ما باقی می‌داند: خلفای چهار گانه و عمر بن عبد العزیز. بنابراین، من معنایی برای این حدیث نمی‌یابم^(۲۳).

قاضی عیاش در جواب این سخن که می‌گوید: بیش از این تعداد (دوازده نفر) به ولایت رسیدند، گفته است: این اعتراضی نادرست است. زیرا، پیامبر ﷺ فرموده است تنها دوازده نفر به ولایت این تعداد به ولایت رسیده‌اند و این مطلب از اضافه شدن بر تعداد آنها منع نمی‌کند^(۲۴).

سیوطی در جواب آن سخنی را نقل کرده که گوید: مراد حدیث، وجود دوازده نفر خلیفه در طول دوران اسلام تا قیامت است که عامل بر حق باشند، اگر چه پی در پی نباشند^(۲۵).

در فتح الباری گوید: یقیناً از این تعداد (دوازده نفر) خلفای چهارگانه در گذشته‌اند، و بقیه نیز، بناچار باید تا پیش از برپایی قیامت، تکمیل گردد^(۲۶).

ابن جوزی گوید: بنابراین، آنجا که فرموده: سپس فتنه و آشوب خواهد بود، مراد فتنه‌های پیش از برپایی قیامت مانند: خروج دجال و بعد آن می‌باشد^(۲۷).

سیوطی گوید: از این دوازده نفر خلفای چهار گانه و حسن و معاویه و عبدالله زبیر و عمر بن عبدالعزیز، این هشت نفر، روی کار آمده‌اند و احتمال این که مهدی عباسی را هم به آنان اضافه کنیم - که او در بین عباسیان همانند عمر بن عبد‌العزیز در میان امویان است - و نیز، طاهر عباسی را به خاطر عدالت خواهی‌اش، باز هم دو نفر باقی و مورد انتظار است که یکی از آنان مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از اهل بیت خواهد بود^(۲۸).

و نیز، گفته شده: مراد حدیث آن است که، آن دوازده نفر در دوران عزت خلافت و قوت اسلام و استواری امور آن باشند، از کسانی که در زمان وی، اسلام عزیز گشته و همه مسلمانان پیرامون او گرد آیند^(۲۹).

بی‌هقی گوید: این تعداد (= دوازده نفر) تا زمان ولید بن یزید بن عبدالملک روی کار آمدند، سپس فتنه و آشوب بزرگ برپا شد و پس از آن حکومت عباسیان قالب آمد، و اینکه بر عدد مذکور می‌افزایند بدان خاطر است که صفت مورد اشاره در حدیث را رها کرده یا کسانی را که بعد از فتنه مذکور آمده‌اند از آنان شمرده‌اند^(۳۰).

و نیز گفته‌اند: کسانی را که امت بر آنان اجتماع کرده‌اند: خلفای ثلاثه و سپس علی تا زمان حکمیت در صفین که معاویه را در آن روز خلیفه نامیدند. سپس با صلح حسن بر معاویه اجتماع کردند و پس از او بر پسرش یزید. حسین هم که پیش از رسیدن به خلافت کشته شد. با مرگ یزد اختلاف کردند تا آن که پس از کشته شدن ابن زبیر، بر عبدالملک مروان اجتماع نمودند و سپس بر فرزندان چهار گانه او: ولید و سلیمان و یزید و هشام که در این جمع عمر بن عبد‌العزیز میان سلیمان و یزید فاصله شد و دوازدهمین آنان ولید بن یزید بن عبدالملک بود که مردم پس از هشام بر او اجتماع کردند و او چهار سال حکومت کرد^(۳۱).

بنابراین، خلافت این دوازده نفر به خاطر اجتماع مسلمانان بر آنها صحیح است، و پیامبر ﷺ مسلمانان را به خلافت و جانشینی اینان از خودش - در حمل و انتقال اسلام به مردم - بشارت داده است!

این حجر درباره این توجیه گوید: این بهترین توجیه است.

و این کثیر گوید: راهی را که پیموده و عده‌ای با وی موافقت کرده‌اند، یعنی اینکه، مراد حدیث خلفای پی در پی تا زمان ولید بن عبد الملک فاسق می‌باشد، ولیدی که در گذشته در مذمت او سخن گفتیم، راهی غیر مقبول است.

زیرا، خلفای مورد اشاره تا زمان این ولید، بیش از دوازده نفرند، دلیل آن این است که: خلافت ابوبکر و عمر و عثمان و علی مسلم است... پس از آنان حسن بن علی است چنانچه واقع شد و علی او را وصی خود قرار داد و مردم عراق با او بیعت کردند... تا آنکه او و معاویه صلح کردند.

سپس پسر معاویه یزید و بعد، پسر یزید معاویه بن یزید و سپس مروان بن حکم و بعد پسرش عبد الملک مروان و ولید بن عبد الملک، سپس سلیمان بن عبد الملک، و بعد عمر بن عبد العزیز و پس از وی یزید بن عبد الملک و بعد هشام بن عبد الملک، که جمع آنها پانزده نفر می‌شود و سپس ولید بن عبد الملک، و اگر حکومت ابن زبیر پیش از عبد الملک را نیز به حساب آوریم، می‌شوند شانزده نفر، و با این حساب، یزید بن معاویه جزء آن دوازده نفر شده و عمر بن عبد العزیز که همه پیشوایان بر مدح و سپاس او متفق القولند، و او را از خلفای راشدین به شمار آورده و همه مردم بر عدالت او اتفاق نظر دارند، و دوران او از بهترین دوره‌ها بوده و حتی شیعیان نیز بدان اعتراف دارند، از جمع دوازده نفر خارج می‌گردد.

و اگر بگویند: من تنها کسانی را به حساب می‌آورم که امت بر آنان اجتماع کرده باشند، لازم‌هاش آن است که علی بن ابی طالب و فرزندش به حساب نیایند، زیرا همه مردم بر آن دو اجتماع نکردند، دلیلش آن که مردم شام، همگی، از بیعت با او سر باز زدند. و نیز گویند: برخی توجیه‌کنندگان، معاویه و پسرش یزید و نوه‌اش معاویه بن یزید را به شمار آورده، و زمان مروان و ابن زبیر را قید نکرده‌اند، زیرا امت بر هیچ یک از آنها اجتماع نکرده‌اند.

بنابراین دیدگاه نیز، می‌گوئیم: در این مسلک خلفای سه گانه سپس معاویه و بعد یزید و سپس عمر بن عبد الملک و بعد ولید بن سلیمان و سپس عمر بن العزیز و بعد و بعد هشام به شمار آیند که جمعا ده نفرند و بعد از آنها ولید بن یزید عبد الملک فاسق است که لازمه این دیدگاه نیز، اخراج علی و پسرش حسن خواهد بود، و این دقیقا بر خلاف آنی است که امامان اهل سنت و بلکه شیعه بر آن تصریح کرده‌اند^(۳۲).

ابن جوزی در کتاب کشف المشکل در جواب از این توجیهاات دو وجه دیگر را نقل کرده که گویند:

اول - پیامبر ﷺ در حدیث خویش اشاره به حوادث بعد از خود و اصحاب خود ندارند، و چون حکم اصحاب با حکم آن حضرت پیوسته و مرتبط است، نتیجه می‌گیریم که خبر از حکومت‌های واقع شده پس از صحابه است، و چنان می‌نماید که با بیان خود اشاره به عدد خلفای بنی امیه دارد، و گویا سخن آن حضرت: «لا یزال الدین» یعنی:

ولایت تا آنجا که دوازده خلیفه به حکومت رسند، سپس اوضاع به حالت دیگری، بدتر از حال اول، بر می‌گردد. با این حساب، اولین خلیفه بنی امیه معاویه آخرینشان مروان حمار است که تعدادشان سیزده نفر می‌باشد، و عثمان و معاویه و ابن زبیر به شمار نیایند، زیرا آنها از صحابه‌اند. و اگر مروان بن حکم را نیز - به دلیل اختلاف در صحابی بودن یا

مغلوبیتش در برابر عبد الله بن زبیر و اجتماع مردم بر عبد الله - از جمع مذکور خارج کنیم، عدد دوازده راست می آید.

و پس از خروج خلافت از دست بنی امیه نیز، فتنه های عظیم و خونریزیهای بسیار واقع شد تا آنکه دولت بنی عباس مستقر گردید و اوضاع از آنچه بر آن بود، کاملاً متغیر و دگرگون شد^(۳۳).

ابن حجر در فتح الباری این استدلال را مردود دانسته است.

دوم - ابن جوزی وجه دوم را از جزوه ای که ابو الحسین بن منادی درباره مهدی گرد آورده نقل کرده که گوید:

ممکن است این موضوع مربوط به بعد از مهدی ای باشد که در آخر الزمان خروج می کند. زیرا، من در کتاب دانیال دیده ام که: هنگامی که مهدی وفات کند، پنج تن از نوادگان سبط اکبر به حکومت می رسند، سپس پنج تن از نوادگان سبط اصغر، پس از آن آخرینشان مردی از سبط اکبر را وصی خود می کند، بعد از او پسرش به حکومت می رسد و بدین ترتیب دوازده نفر حاکم می شوند که هر یک از آنان امام و مهدی هستند.

گوید: در روایت دیگری است... پس از او دوازده نفر مرد: شش تن از اولاد حسن، و پنج تن از اولاد حسین، و یک نفر از غیر ایشان به حکومت می رسند و چون فرد اخیر می میرد فساد عالم گیر می شود.

ابن حجر در صواعق خود بر این حدیث حاشیه زده و گوید: این روایت، یقیناً روایتی واهی است و اعتمادی بر آن نیست!^(۳۴).

گروه دیگری گویند: ظن غالب آن است که آن حضرت علیه الصلاه و السلام، در این حدیث، از عجایب بعد از خود خبر داده، فتنه هایی که مردم را در یک زمان متفرق کرده و تحت فرمان دوازده امیر می کشاند. و اگر غیر این را اراده کرده بود می فرمود: دوازده

امیرند که چنین می‌کنند و چون چنین وصفی برای آنها بیان نکرده اینگونه می‌فهمیم که اینان در زمان واحد خواهند بود^(۳۵)....

گفته‌اند: در قرن پنجم هجری تنها در اندلس واقعه‌ای رخ داد که شش نفر همگی خود را خلیفه می‌نامیدند، اضافه بر آنها، حاکم مصر، خلیفه عباسی بغداد و دیگری مدعیان خلافت، از علویان و خوارج نیز، مدعی خلافت بودند^(۳۶).

ابن حجر درباره این توجیه گوید: این سخن کسی است که به چیزی از طریق حدیث - جز آنچه که به نحو فشرده در بخاری آمده - آگاهی نداشته است^(۳۷).

و نیز گوید: وجود آنان در زمان واحد، عین پراکندگی و افتراق است و نمی‌تواند مراد حدیث باشد^(۳۸).

بدینگونه، علمای مکتب خلفا در تفسیر روایات گذشته، به دیدگاه واحدی نرسیدند. علاوه بر آن، از آوردن روایاتی که رسول خدا ﷺ اسامی آن دوازده نفر را بیان فرموده نیز، اغماض و اهمال کرده‌اند. زیرا، با سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون متمادی در تخالف و تضاد بوده است.

این روایات را محدثان مکتب اهل البیت علیهم‌السلام در تالیفات خود با اسنادی که به نیکان صحابه می‌رسد، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرده‌اند. و ما در بخش آینده به آوردن اندکی از آنها که هر دو گروه در کتب خود آورده‌اند بسنده می‌کنیم.

اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا

الف - امام جوینی^(۳۹) از عبد الله بن عباس روایت کند که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «انا سید النبیین و علی بن ابی طالب سید الوصیین، و ان اوصیائی بعدی اثنا عشر، اولهم علی بن ابی طالب و آخرهم المهدی»

من آقای پیامبران و علی بن ابی طالب آقای اوصیاست، همانا اوصیای پس من دوازده نفرند، اولینشان علی بن ابی طالب و آخرینشان مهدی است.

ب - امام جوینی باز هم به سند خود از ابن عباس روایت کند که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

همانا خلفای من و اوصیایم و حجت‌های خدا بر مردم پس از من دوازده نفرند، اولینشان برادرم و آخرینشان فرزندم خواهد بود. گفته شد: ای رسول خدا! برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. گفته شد: فرزند شما کیست؟

فرمود: آن مهدی است. کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که از ظلم و ستم انباشته شده است. قسم به آن که مرا بشارتگر و بیم دهنده بر حق فرستاده، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند این روز را آنقدر طولانی کند تا فرزند من مهدی در آن خروج کند و روح خدا عیسی بن مریم فرود آید و در پس او نماز بگزارد و زمین از نور پروردگارش روشن گردد، و فرمانروائی اش مشرق و مغرب را فراگیرد.

ج - جوینی باز هم به سند خود روایت کند که راوی گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرمود: انا و علی و الحسن و الحسین و تسعه من ولد الحسین مطهرون معصومون.

من و علی و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین پاکیزگان و معصومانیم^(۴۰). سیاست حاکم بر مکتب خلفا در طی قرون بر آن بود که امثال اینگونه احادیث را از دسترس ابنای امت اسلامی بدور داشته و بر آنها پرده پوشاند. و راستی را که بخش عظیم

پیروان این مکتب در این راه، جهاد شایانی کردند، و ما نمونه‌هایی از آن را در بحث و بررسی از اقدامات مکتب خلفا با نصوص سنت رسول الله ﷺ که مخالفت دیدگاهشان بود در معالم المدرستین آوردیم. و چون در این بحث مجالی برای آوردن آن احادیث نداریم، تنها روایاتی را می‌آوریم که به معرفی امامان دوازده‌گانه پرداخته است. روایاتی از رسول خدا ﷺ که در آنها متواترا به اسامی ایشان اشاره و تصریح شده است.

معرفی امامان دوازده گانه بعد از رسول خدا ﷺ

امام اول:

امیرالمومنین علی علیه السلام، پدرش ابوطالب بن هاشم و مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم.

کنیت آن حضرت: ابوالحسن و الحسین، ابوتراب.

لقب آن حضرت: وصی، امیرالمومنین.

تولد آن حضرت: در سال سی ام پس از عام الفیل در بیت الله الحرام ^(۴۱)، کعبه، به دنیا

آمد.

وفات آن حضرت: در سال چهارم هجری به دست عبد الرحمن بن ملجم، - یکی از

خوارج - به شهادت رسید و در بیرون کوفه، نجف اشرف، دفن گردید.

امام دوم:

حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام.

مادرش فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

کنیه آن حضرت: ابو محمد.

لقب آن حضرت: سبط اکبر، مجتبی.

ولادت آن حضرت: در نیمه رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد.

وفات آن حضرت: در بیست و پنجم ربیع الاول سال پنجاهم هجری به شهادت رسیده

و در بقیع، در مدینه منوره دفن گردید.

امام سوم:

حسین بن علی ابی طالب علیه السلام.

مادرش فاطمه (سلام الله علیه) دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

کنیت: ابو عبد الله.

لقب: سبط، شهید کربلا.

ولادت: سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه.

وفات: در دهم محرم سال ۶۱ هجری به همراه اهل بیت و یارانش در کربلا به دست

یزیدیان به شهادت رسید. مزار آن حضرت نیز، هم اکنون در کربلا یکی از شهرهای عراق

است (۴۲).

امام چهارم:

علی بن الحسین علیه السلام.

ماردش غزاله یا شاه زنان.

کنیت: ابو الحسن.

لقب: زین العابدین، سجاد.

تولد: در سال ۳۳ یا ۳۷ یا ۳۸ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۹۴ هجری به شهادت رسیده و در بقیع جنب عمویش امام حسن علیه السلام

دفن گردید ^(۴۳).

امام پنجم:

محمد بن علی علیه السلام.

مادرش ام عبدالله دخت امام حسن بن علی علیه السلام.

کنیت: ابوجعفر.

لقب: باقر.

ولادت: در سال ۵۷ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۱۷ هجری در مدینه به شهادت رسیده و در بقیع در کنار پدرش زین

العابدین علیه السلام دفن گردید ^(۴۴).

امام ششم:

جعفر بن محمد علیه السلام.

مادرش ام فروه دخت قاسم بن محمد بن ابی بکر.

کنیت: ابو عبدالله.

لقب: صادق.

ولادت: در سال ۷۳ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۴۸ هجری به شهادت رسیده و در بقیع در جنب پدرش امام باقر

علیه السلام دفن گردید ^(۴۵).

امام هفتم:

موسی بن جعفر علیه السلام.

مادرش حمیده.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: کاظم.

ولادت: در سال ۱۲۸ هجری در مدینه.

وفات: در سال ۱۸۳ هجری در زندان خلیفه هارون الرشید در بغداد به شهادت به

رسید و قبرستان قریش بخش غربی بغداد امروزی، معروف به شهر کاظمیه دفن گردید

(۴۶)

امام هشتم:

علی بن موسی علیه السلام.

مادر: خیزران.

کنیت: ابوالحسن.

لقب: رضا.

ولادت: در سال ۱۵۳ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۰۳ هجری به شهادت رسیده و در طوس خراسان (مشهد) مدفون

است ^(۴۷).

امام نهم:

محمد بن علی علیه السلام.

مادر: سکینه.

کنیت: ابو عبد الله.

ولادت: در سال ۱۵۹ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۲۰ هجری در بغداد به شهادت رسید و در کنار جدش موسی بن

جعفر علیه السلام دفن گردید ^(۴۸).

امام دهم:

علی بن محمد علیه السلام.

مادر: سمانه مغریبه.

کنیت: ابوالحسن عسکری.

لقب: هادی.

ولادت: در سال ۲۱۴ هجری در مدینه منوره.

وفات: در سال ۲۵۴ به شهادت رسید و در شهر سامرای عراق دفن گردید ^(۴۹).

امام یازدهم:

حسن بن علی علیه السلام.

مادر: ام ولد به نام سوسن.

کنیت: ابو محمد.

لقب: عسکری.

ولادت: در سال ۲۳۱ هجری در سامرا.

وفات: در سال ۲۶۰ هجری به شهادت رسیده و در سامرا دفن گردید ^(۵۰).

امام دوازدهم:

حضرت حجت بن الحسن - عجل الله فرجه.

مادر: ام ولد به نام نرجس یا صیقل.

کنیت: ابو عبد الله، ابو القاسم.

لقب: قائم، منتظر، خلف، مهدی، صاحب الزمان.

ولادت: در سال ۲۵۵ هجری در سامرا.

آن حضرت آخرین امام از ائمه دوازده گانه است که تاکنون زنده است و روزی می گیرد (تا هر گاه خدا بخواهد - به فرمان خدا - قیام کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید).

تنبيه و توضیحی مهم!

در یکی از روایات گذشته آمده بود:

... دوازده نفر خلیفه از آنان در می‌گذرد و پس از آن فتنه و آشوب می‌گردد.

و در دیگری آمده بود:

این دین همواره - تا زمانی که دوازده نفر از قریش باقی باشند - استوار و بر پاست، و هر گاه از دنیا بروند زمین اهل خود را فرو می‌برد.

این دو عبارت دلالت بر آن دارند که بعد از دوازدهمین امام از امامان پس از رسول خدا ﷺ، عمر این عالم پایان می‌یابد. بنابراین، لازم است عمر یکی از این دوازده نفر تا نهایت این دنیا به طول انجامد، و این چیزی است که اکنون با طول عمر وصی دوازدهم، مهدی آل محمد ﷺ محمد بن الحسن العسکری علیه السلام به وقوع پیوسته است. زیرا، مجموعه آن روایات تنها بر امامان دوازده گانه مذکور صادق بوده و بر غیر ایشان راست نباید.

و الحمد لله رب العالمین

پاورقی ها

- ۱ - صحیح مسلم، جلد ۳ ص ۱۴۵۳، حدیث ۱۸۲۱، این روایت را از آنرو برگزیدیم که جابر خود آن را نوشته است. صحیح بخاری، جلد ۴ ص ۱۶۵، الاحکام. سنن ترمذی، باب: ما جاء فی الخلفاء من ابواب الفتن. سنن ابوداود، جلد ۳ ص ۱۰۶، کتاب المهدی. مسند طیالسی، حدیث ۷۶۷ و ۱۲۷۸. مسند احمد جلد ۵ ص ۸۶، ۹۰، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۸. کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۶ و ۲۷. حلیه الاولیاء ابونعیم، جلد ۴ ص ۳۳۳. جابرین سمره بن عامری خواهر زاده سعدبن ابی وقاص که بعد از سال هفتاد هجری در کوفه وفات کرد. صاحبان کتب صحیح ۱۶۴ حدیث از او روایت کرده‌اند. شرح حال او در کتاب‌های اسد الغابه، تقریب التهذیب و جوامع السیره ص ۲۷۷ آمده است.
- ۲ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۸. مستدرک الصحیحین، جلد ۳ ص ۶۱۷.
- ۳ - فتح الباری جلد ۱۶ ص ۳۳۸.
- ۴ - منتخب کنز العمال، جلد ۵ ص ۳۲۱. تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹. تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰. کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۶. الصواعق المحرقة، ص ۲۸.
- ۵ - کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷ و منتخب آن، جلد ۵ ص ۳۱۲.
- ۶ - شرح صحیح مسلم، نووی، جلد ۱۲ ص ۲۰۲. الصواعق المحرقة، ص ۱۸. تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰.
- ۷ - کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷.
- ۸ - کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷.
- ۹ - مسند احمد، جلد ۱ ص ۳۹۸ و ۴۰۶. احمد شاکر در حاشیه اول (=۳۹۸) گوید: اسناد آن صحیح است. مستدرک حاکم و تلخیص آن، جلد ۴ ص ۵۰۱. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹. مجمع الزوائد، جلد ۵ ص ۱۹۰. الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۲. تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۰. جامع الصغیر، سیوطی، جلد ۱ ص ۷۵. کنز العمال، متقی، جلد ۱۳ ص ۲۷ گوید: طبرانی و نعیم بن حماد نیز آن را در فتن آورده‌اند.
- ۱۰ - تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۸. کنز العمال، جلد ۱۳ ص ۲۷. شواهد التنزیل حسکانی، جلد ۱ ص ۴۵۵ حدیث ۶۲۶.
- ۱۱ - ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۸.
- ۱۲ - نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲.

- ۱۳ - ینابیع الموده، شیخ سلیمان حنفی در باب صدم، ص ۵۲۳. احیاء علوم الدین، غزالی، جلد ۱ ص ۴. حلیه الاولیاء، جلد ۱ ص ۸۰ فشرده.
- ۱۴ - تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹ و ۲۵۰.
- ۱۵ - عهد قدیم، سفر التکرین، باب ۱۷ شماره ۲۰، ص ۲۲ و ۲۳.
- ۱۶ - المعجم الحدیث، عبری - عربی، ص ۳۱۶.
- ۱۷ - همان مصدر، ص ۳۶۰.
- ۱۸ - همان مصدر، ص ۸۴ و ۳۱۷.
- ۱۹ - المعجم الحدیث، عبری - عربی، ص ۸۴ - ۳۱۷.
- ۲۰ - همان مصدر.
- ۲۱ - تاریخ یعقوبی، جلد ۱ ص ۲۴ و ۲۵، نشر موسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، قم.
- ۲۲ - آنچه در اصل عبری تورات و تعلیقه آن آمده، آن را از مقاله استاد احمد الواسطی در مجله التوحید نشریه سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، شماره ۵۴ (ص ۱۲۷ و ۱۲۸) نقل کردیم.
- ۲۳ - شرح ابن عربی بر سنن ترمذی، جلد ۹ ص ۶۸ و ۶۹.
- ۲۴ - شرح نووی بر صحیح مسلم، جلد ۱۳ ص ۲۰۱ و ۲۰۲. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹. عبارت متن از اوست، در ص ۳۴۱ نیز آنرا آورده است.
- ۲۵ - تاریخ الخلفاء سیوطی، ص ۱۲.
- ۲۶ - فتح الباری، جلد ۶ ص ۳۴۱. تاریخ الخفا، ص ۱۲.
- ۲۷ - فتح الباری، جلد ۶ ص ۳۴۱. تاریخ الخفا، ص ۱۲.
- ۲۸ - الصواعق المحرقة، ص ۱۹ و تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۱۲. بنابراین، برای پیروان مکتب خلفا دو امام منتظر خواهد بود که یکی از آنان مهدی علیه السلام است در حالی که پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام تنها یک امام منتظر دارند.
- ۲۹ - نووی در شرح صحیح مسلم، جلد ۱۲ ص ۲۰۲ و ۲۰۳ به این موضوع اشاره کرده و ابن حجر در فتح الباری جلد ۱۶ ص ۳۳۸ - ۳۴۱ و سیوطی در تاریخ الخلفاء ص ۱۰، آن را آورده‌اند.
- ۳۰ - تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹ به نقل از بیهقی.
- ۳۱ - تاریخ الخلفاء، ص ۱۱ الصواعق المحرقة، ص ۱۹. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۴۱.
- ۳۲ - تاریخ ابن کثیر، جلد ۶ ص ۲۴۹ و ۲۵۰.
- ۳۳ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۴۰ به نقل از ابن جوزی در کتاب کشف المشکل.
- ۳۴ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۴۱. الصواعق المحرقة، ص ۱۹.

- ۳۵ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۸.
- ۳۶ - شرح نووی، جلد ۱۲ ص ۲۰۲. فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹.
- ۳۷ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۸.
- ۳۸ - فتح الباری، جلد ۱۶ ص ۳۳۹.
- ۳۹ - ذهبی، رجالی معروف در کتاب تذکره الحفاظ ص ۱۵۰۵ درباره او گوید: امام محدث یگانه اکمل، فخر الاسلام، صدر الدین ابراهیم بن حمویه جوینی شافعی، شیخ صوفیه، شدیداً نسبت به روایت و گردآوری اجزای آن عنایت داشت. غازان شاه به دست او آورد.
- ۴۰ - احادیث: الف، ب و ج در کتاب فرائدالمسلمین، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۱۶۴ و ۱۶۹۰ - ۱۶۹۱، برگه ۱۶۰ آمده است.
- ۴۱ - فاطمه بنت اسد، مادر امام علیه السلام، در حال بارداری مشغول طواف بود که درد زایمان به سراغش آمد، در این هنگام درب کعبه گشوده و او داخل شد و فرزندش علی علیه السلام را به دنیا آورد. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید: مستدرک، جلد ۳ ص ۴۸۳. تذکر خواص الامه، ص ۱۰ و مناقب ابن مغزلی، ص ۷.
- ۴۲ - مراجعه کنید: شرح حال ائمه: علی و دو فرزندش حسن و حسین علیهم السلام، حوادث سال ۴۰، ۵۰ و ۶۰ هجری در تاریخ طبری، ابن اثیر، ذهبی و ابن کثیر، و نیز، به شرح حال ایشان در تاریخ بغداد، تاریخ دمشق، استیعاب، اسد الغابه، اصابه و طبقات ابن سعد - چاپ جدید.
- ۴۳ - مراجعه کنید: تاریخ ابن اثیر، ابن کثیر و ذهبی، حوادث سال ۹۴ هجری و نیز، به شرح حال امام علیه السلام در طبقات ابن سعد، حلیه الاولیاء و فیات الاعیان و تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۳۰۳ و تاریخ مسعودی، جلد ۳ ص ۱۶۰.
- ۴۴ - مراجعه کنید: تذکره الحفاظ، ذهبی. و فیات الاعیان، صفوه الصفوه، حلیه الاولیاء، تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۳۲۰. تاریخ الاسلام، ذهبی، تاریخ ابن کثیر، حوادث سال ۱۱۵ و ۱۱۷ و ۱۱۸، شرح حال امام باقر علیه السلام.
- ۴۵ - مراجعه کنید: شرح حال امام صادق علیه السلام در حلیه الاولیاء و فیات الاعیان، تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۳۸۱ و تاریخ مسعودی، جلد ۳ ص ۳۴۶.
- ۴۶ - مراجعه کنید: شرح حال امام کاظم علیه السلام در: مقاتل الطالبیین، تاریخ بغداد، و فیات الاعیان، صفوه الصفوه، تاریخ ابن کثیر، جلد ۲ ص ۱۸ و تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۴۱۴.
- ۴۷ - مراجعه کنید: تاریخ طبری، ابن کثیر، تاریخ الاسلام ذهبی، و فیات الاعیان، حوادث سال ۲۰۳ هجری، تاریخ یعقوبی، جلد ۲ ص ۴۵۳ و مسعودی، جلد ۳ ص ۴۴۱.

- ٤٨ - مراجعه كنيد: تاريخ بغداد: جلد ٣ ص ٥٤، وفيات الاعيان، شذرات الذهب، جلد ٢ ص ٤٨ و مسعودى، جلد ٢ ص ٤٨ و مسعودى، جلد ٣ ص ٤٦٤.
- ٤٩ - مراجعه كنيد: تاريخ بغداد، جلد ١٢ ص ٥٦. وفيات الاعيان، تاريخ يعقوبى، جلد ٢ ص ٤٨٤ و مسعودى، جلد ٤ ص ٨٤.
- ٥٠ - مراجعه كنيد: وفيات الاعيان، تذكره الخواص، مطالب السئول فى مناقب آل الرسول، شيخ كمال طلحه شافعى (ت: ٦٥٤هـ) و تاريخ يعقوبى، جلد ٢ ص ٥٠٣.

فهرست مطالب

۳	سر آغاز.....
۴	مقدمه.....
۶	نص صریح پیامبر ﷺ بر تعداد امامان علیا.....
۹	امامان دوازده گانه در تورات.....
۱۲	فشرده احادیث گذشته.....
۱۳	حیرت علما در تفسیر این حدیث.....
۱۹	اسامی دوازده نفر در مکتب خلفا.....
۲۱	معرفی امامان دوازده گانه بعد از رسول خدا ﷺ.....
۲۲	امام اول:.....
۲۳	امام دوم:.....
۲۴	امام سوم:.....
۲۵	امام چهارم:.....
۲۶	امام پنجم:.....
۲۷	امام ششم:.....
۲۸	امام هفتم:.....
۲۹	امام هشتم:.....
۳۰	امام نهم:.....
۳۱	امام دهم:.....
۳۲	امام یازدهم:.....
۳۳	امام دوازدهم:.....
۳۴	تنبیه و توضیحی مهم!.....
۳۵	پاورقی ها.....